



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاكرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال سیزدهم

۵ شنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶

شماره ۴۵۷۲

شماره مسلسل ۸۴

دوره نوزدهم مجلس شورای ملی

## مذاكرات مجلس شورای ملی

جلسه ۸۴

صورت مشروح مذاكرات مجلس روز سه شنبه ۱۷  
اردیبهشت ماه ۱۳۳۶

فهرست مطالب :

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تقدیم دو فقره سؤال ویک نامیه بوسیله آقایان : بهبهانی و پرفسور اعلم و دکتر امین .
- ۳) بیانات قبل از دستور آقایان : عماد تربتی و مهندس فروهر
- ۴) مذاکره در گزارش کمیسیون فرهنگ راجع بمقررات اعزام محصلین بخارجه .
- ۵) اخذ رای و تصویب تقاضای آقای معاون نخست وزیر دائر به در دستور گذاردن لایحه تأسیس وزارت گمرکات و انحصارات .
- ۶) مذاکره در گزارش کمیسیون فرهنگ راجع بمقررات اعزام محصلین بخارجه .
- ۷) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و ده دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

### ۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود  
( بشرح زیر قرائت شد )  
غائبین با اجازه - آقایان : دکتر عدل - کدیور - صفاری - دکتر آهی - قرشی - محمودی - ذوالفقاری - بزرگ ابراهیمی - کاظم شیبانی - اکبر - دکتر فریدون افشار - مرتضی حکمت - بزرگ بیاضادق - بوشهری - محسن زاده - عامری - فرود - مهندس شیبانی - عباسی - اورنگ - اخوان - دکتر سعید حکمت - سنندجی - دکتر رضائی - ثقة الاسلامی امامی خوئی .

غائبین بی اجازه - آقایان : اقبال - مهندس ظفر - قراگزلو - دیرآمدگان و زود رفتگان با اجازه - آقایان : دکتر عمید - دولتشاهی - بهادری - اسکندری - امیر بختیار - طباطبائی قمی - قوام - مشار - پرفسور اعلم - دکتر نفیسی - پردلی - مسعودی - تیمورتاش  
رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست ؟ آقای امیدالار  
امیدالار - بیک اصلاحی در بیانات بنده هست که میدهم به تند نویسی .  
رئیس - بسیار خوب دیگر نظری نیست ؟ ( گفته شد - خیر ) صورت مجلس تصویب شد .

### ۲- تقدیم دو فقره سؤال

ویک نامیه بوسیله آقایان :

بهبهانی و پرفسور اعلم و دکتر امین

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - سؤالی است از دولت که

تقدیم میکنم .

رئیس - آقای پرفسور اعلم

پرفسور اعلم - سؤالی است از وزارت

بازرگانی که تقدیم میکنم .

رئیس - آقای دکتر شفیق امین

دکتر شفیق امین - نامه ایست از

طرف عمده ای برای قانون اخیر فرهنگیان

رسیده است که تقدیم میکنم .

### ۳- بیانات قبل از دستور

آقایان : عماد تربتی و

مهندس فروهر

رئیس - منق قبل از دستور شروع می

شود . آقای عماد تربتی

عماد تربتی - البته خاطر همه آقایان

مستحضر است و تمام مردم ایران میدانند

و اغلب از آقایان نمایندگان محترم و سنانور

های محترم در این مسافرت بخراسان تشریف

فرما شدند و باستان قدس رضوی مشرف

شدند و ملاحظه فرمودند که یکی از آرزو

های بزرگ مردم خراسان و ملایران و

بلکه تمام مسلمین جهان در این سفر برکت

اعلیحضرت همایونی عملی شد و بمنصه ظهور

رسید ( صحیح است ) راه آهن خراسان و

همچنین کلیه راهها از جمله راه آهن آذر -

بایجان از آرزوهای دیرین ملت ایران بود

( صحیح است ) که بدست اعلیحضرت فقید

بی ریزی شد و سپس با اراده سنیة اعلیحضرت

همایون شاهنشاهی با تمام و مر حله عمل برسد

( انشاء الله ) و در شهر یور ۱۳۲۰ این راهها و

کلیه امور عمرانی متوقف شد البته با

هجوم و غلبه فاشون های بیگانه یک وضع به

اصطلاح فرس مازور و ناگهانی و خارج از اختیار

ملت ایران پیش آمد و روی این نظر بود که

مدتی امور عمرانی و آبادانی کشور بتعویق

افتاد در این جایگاه نکته جالبی را بنده می خواهم

بمرض آقایان برسانم که ما بایستی این امنیت و این آرامش را کاملاً منتقم شماریم و کوشا باشیم که همین وضعی که ملت ایران در سیاست داخلی و خارجی پیش گرفته است ادامه بدهد در تمام مدتی که عمران و آبادانی نشد و فاشون بیگانه در این مدت از این سر زمین رخت بر بسته بود بملت وجود یک عمده از اشخاص بیگانه پرست و اشخاص ماجراجو و هوامفریب تمام اصلاحات را کد مانده بود حالا که بعمده الله بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ملت ایران یک قیام رشیدانه و مردانه ای کرد و در حقیقت اعلیحضرت همایونی را به خواسته همه ملت ایران بسلطنت برگزید امور عمرانی و آبادانی یکی پس از دیگری دارد عملی می شود بطوریکه در هفته گذشته خود بنده در التزام رکاب اعلیحضرت همایونی در کلیایگان بودم و سد عظیمی که مردم آن سرزمین را بکلی راحت و آسوده کرده افتتاح شد در همین مسافرت راه آهن خراسان افتتاح شد که تأثیر بزرگ و مهمی در امر عمران و آبادانی کشور دارد ( صحیح است ) و همینطور راه دیگری در خراسان از بجنورد که قسمت غرب و شمال را بشرق ایران متصل میکند بدست اعلیحضرت همایونی افتتاح شد کارخانه قند چناران که اهلب آقایان تشریف فرما شدند و یکی از واحدهای اقتصادی و عمرانی این کشور است افتتاح شد و تمام امور یکی پس از دیگری در شرف انجام است و انشاء الله سایر امور هم قریباً تکمیل و شروع خواهد شد ( انشاء الله ) بنده با اینکه از طرف مردم خراسان و همینطور بقیه مردم ایران تشکرات و سپاسگزاری بی پایان بمرض خدای همایونی رساندم در اینجا هم که اولین جلسه ای بود که مجلس افتتاح شد خواستم تشکر تمام آقایان محترم را بمرض اعلیحضرت همایونی

برسانم و از خداوند توفیق اعلی حضرت همایونی و همه آقایان را خواستار بشوم (احسن)

**رئیس - آقای مهندس فروهر** - بنده که افتخار این راداشتم که در موقع تشریف فرمائی اعلی حضرت همایونی در مشهد باشم چون خراسانی نیستم شاید بهتر بتوانم راجع بآن وضعی که بنده آنجا دیدم و واقعاً موجب تعجب همه ما که دعوت داشتیم شد یک چند کلمه ای فقط خدمت همکاران عزیزم در اینخصوص بگویم تشریف فرمائی اعلی حضرت همایونی بخراسان بنده که دعوتهای دیگر و تشریف فرمائی جاهای دیگر را دیده بودم میخواهم بگویم که بی اندازه موفقیت آمیز بود و مورد محبت ها و احساسات بی شائبه و گرم کلیه اهالی شریف خراسان واقع شد که واقفان ما و همکارانمان اشک چشم داشتیم و ناظر این احساسات قلبی که از تراوشات قلبی این اشخاص و روح بلند آزادمنش و شرافتمند این اشخاص بودیدیم که فرد اهالی خراسان احساسات عینی بروز میدادند البته آقایانیکه آنجا بودند دیدند و بنده خواستم این را در اولین روزی که مجلس افتتاح میشود اولین روز بعد از استراحت است اینجا عرض کرده باشم لازم نیست بنده اهمیت راه آهن را عرض بکنم چون مهندس هستم فقط میتوانم بگویم که کار بسیار بسیار عظیمی بود که انجام شده البته مختصر نواقصی دارد که بایستی رفع کرد این راه آهن وضع خراسان را که منطقه حاصلخیز و پربرکتی است تغییر خواهد داد و چون شهر زیارتی است بنده فکر میکنم خیلی توسعه وسایل پذیرائی لازم داشته باشد که بتدریج فراهم خواهد شد در پایان فقط خواستم بنده از طرف همکاران غیر خراسانی که افتخار عوت در آنجا را داشتیم از محبت های بی اندازه اهالی خراسان و سایر آقایان که هر ساعت و هر دقیقه ما را مواظبت می نمودند و ما را خجالت میدادند بطوریکه ما واقعاً هیچ پنج دقیقه ای نبود که اظهار تشکر نکنیم از طرف همه اجازه میخواهم که تشکر بکنم و امیدوارم که این نوع دعوتها تجدید بشود و مملکت عزیز ما بموفقیت های بیشتری نایل بشود (صحیح است)

**۴. مذاکره در گزارش کمیسیون فرهنگ راجع بمقررات اعزام محصلین بخارجه**

**رئیس** - لایحه اعزام محصل مطرح است پیشنهادات ماده دوم قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده ۲ در سطر دوم لفظ (میشود) بکلمه (میشود) تبدیل گردد. دکتر دادفر

**رئیس** - آقای دکتر دادفر

دکتر دادفر - در ماده ۲ نوشته شده بمحصلینی که در تاریخ تصویب این قانون در خارجه بتحصیل اشتغال داشته و بآنان کمکی بعنوان تفاوت قیمت ارز تحصیلی دارند که بکسادهای از این محصلین که در خارجه بودند نظر باینکه یا تحصیلاتشان خوب نبود یا اصولاً وارد دسته بندی های سیاسی بودند ارز آنها قطع شد و دولت دیگر به آنها کمک مالی نکرد در اینجا لفظ (میشود) کلمه عامی است و فردا ممکن است آنها هم بیایند و مطالبه این حق را بکنند لذا بنده این قسمت را اصلاح کردم و نوشته ام بمحصلینی که کمک میشود یعنی الان دارند کمک میکنند نه اینکه به آنها بیگانه گم میشد است و ممکن است مال ده سال قبل باشد باین ترتیب با اصلاح کلمه (میشود) به (میشود) آنها تیکه الان ارز میگیرند خواهند گرفت و آنها تیکه ارزشان قطع شده دیگر نمیگیرند

**دکتر فیما** - (مخبر کمیسیون فرهنگ) بنده بعنوان مخبر کمیسیون قبول میکنم

**رئیس** - مغالفی نیست؟ رأی گرفته میشود باین اصلاح آقایانیکه موافقت باین فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد مینمایم بارت قسمت اول از ماده ۲ بشرح زیر اصلاح گردد، بمحصلینی که در تاریخ تصویب این قانون بتحصیل اشتغال دارند براهبات ماده ۱ این قانون تا خاتمه تحصیلات آنها کمک هزینه تحصیلی پرداخت خواهد شد. سارمی

**رئیس** - آقای سارمی

**صارمی** - در اینجا تصریح شده بمحصلینی که در تاریخ تصویب این قانون در خارجه بتحصیل اشتغال داشته و بآنان کمکی بعنوان تفاوت قیمت ارز تحصیلی می شود تا خاتمه تحصیل استفاده از این کمک بکنند البته خاطر محترم آقایان مستحضر است در سابق برای اینکه کمکی بمحصلین اعزامی در خارجه بشود مقررات خاصی وجود نداشت و رویه مرفهانه افرادی که توانائی داشتند وسیله تهیه ارز و استفاده از ارز را فراهم میکردند در این اواخر یک مقداری مقررات وضع شد که کس و صورتی باینکار داده شود گفته شد افرادی که زبان خارجی مملکتی را که در آنجا تحصیل میکنند اگر امتحان دادند پاسپورت تحصیلی برایشان صادر بشود یا افرادی که در خارجه اشتغال بتحصیل داشتند و گذرنامه تحصیلی تهیه میکردند بآنها ارز داده شود ولی اخیراً ارسال گذشته وزارت فرهنگ گفت افرادی که تا خرداد ماه ۱۳۳۵ گذرنامه تحصیلی در دست دارند بآنها ارز داده شود نتیجه افرادی که الان

وزارت فرهنگ و احتیاج اشکاف باشد کمک هزینه تحصیلی - محسن مرآت اسفندیاری

**رئیس** - آقای مرآت اسفندیاری فرمائید پیشنهادتان را توضیح بدهید

**مرآت اسفندیاری** - عرض کنم نظر بنده این بود که بعضی از رشته های تحصیلی که آقایان در خارجه تحصیل میکنند شاید مورد تصویب وزارت فرهنگ نباشد یعنی آن رشته هایی باشد که مورد احتیاج نیست و مورد ضرورت برای مملکت واقع نشود بنده این را پیشنهاد کردم که وزارت فرهنگ پس از خاتمه تحصیلات دانشکده در صورتی که رشته تحصیلی آن دانشجو مورد احتیاج نیست و وزارت فرهنگ تصویب نمیکند ادامه تحصیل ناهایسانس برای این محصلین کافی باشد بنده یک چنین نکته ای خواستم اضافه کنم و در این ماده بکنجایم (یک نفر از نمایندگان دومرتبه بخوانید) عرض کنم نظر بنده این بود که بعضی رشته های تحصیلی هست که تادوره دانشکده شاید اشخاصی که تاکنون آنجا تحصیل میکنند وزارت فرهنگ اگر ارزشان را قطع بکند یک ناراحتی و زحمتی برای والدین این محصلین فراهم بشود ولی پس از خاتمه دانشکده اگر آن رشته تحصیلی مورد تصویب وزارت فرهنگ نباشد تا لیسانس بنده روی مشاهده و تجربه خودم یک توضیح بیشتری برای روشن شدن مطلب عرض میکنم مثلاً در آمریکا ۱۶۰ نفر محصل ما داریم بنده اطلاع دارم تا آن موقعی که آنجا بودم و مأموریت داشتم ۶۰ نفر حقوق میخواندند آخر حقوق شدند نفر در آمریکا بخوانند و ارز دولتی بگیرند برای این مملکت نتیجه ای ندارد (صحیح است) نظر بنده این بود که واقعاً یک عده قابل بشوند عوض اینکه بروند رشته های وابخوانند که در این مملکت وسائل تحصیل فراهم است و مورد احتیاج زیاد هم نیست بروند رشته های فنی بخوانند و مافوق لیسانس رشته ای که مورد احتیاج است بخوانند و رشته هایی که زیاد مورد احتیاج نیست فقط اجازه داده شود تا حد لیسانس ادامه بدهند

**حشمی** - تبدیل که نباید کرد رشته ای که میخواهند باید آزاد باشند بخوانند

**رئیس** - آقای ارباب مغالفی؟

**رئیس** - آقای ارباب مغالفی؟

**معاون وزارت فرهنگ** - بنده مستحضر هستم در صورتیکه نماینده دولت یعنی وزارت فرهنگ قبول کند میشود رأی یزدانفر

**یزدانفر** - (معاون وزارت فرهنگ) خاطر مبارک آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که برای کمک بمحصلین یک مبلغی در بودجه وزارت فرهنگ تصویب شده است معادل بیست میلیون تومان و مطابق میزان اعتباراتی که ما داریم نمی توانیم پیشنهاد ایشان را قبول کنیم بجهت اینکه مستلزم داشتن اعتبار اضافی است ولی در ماده چهارم در این لایحه پیش بینی شده و نظر ایشان تا اندازه ای تأمین شده است که به محصلینی که تا اسفند ۱۳۳۵ در خارجه مشغول تحصیل هستند در صورتیکه دارای گذرنامه تحصیلی نباشند گذرنامه تحصیلی داده میشود و بآن عده ای که در یکی از رشته های مندرج در ماده ۱ مشغول باشند بشرط وجود اعتبار به میزان مقرر در ماده ۲ کمک هزینه تحصیلی پرداخت خواهد شد پس بنا بر این نظر آقایان اندامه ای تأمین شده است که کسانی که در رشته های معینی تحصیل میکنند در صورتیکه اعتباری داشته باشیم کمک بکنیم تأمین شده است و محتاج برای نیست

**معاون وزارت فرهنگ** - بنده بطور کلی نمی توانم قبول کنم چون اعتبار اضافی میخواهد

**رئیس** - پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد مینمایم که جمله ذیل بسطر سوم ماده ۲ لایحه محصلین ایرانی در خارجه پس از کلمه تحصیلات اضافه شود تا خاتمه تحصیلات بشرط آنکه پس از خاتمه دانشکده رشته تحصیلی آنان مورد تصویب

وزارت فرهنگ و احتیاج اشکاف باشد کمک هزینه تحصیلی - محسن مرآت اسفندیاری

**رئیس** - آقای مرآت اسفندیاری فرمائید پیشنهادتان را توضیح بدهید

**مرآت اسفندیاری** - عرض کنم نظر بنده این بود که بعضی از رشته های تحصیلی که آقایان در خارجه تحصیل میکنند شاید مورد تصویب وزارت فرهنگ نباشد یعنی آن رشته هایی باشد که مورد احتیاج نیست و مورد ضرورت برای مملکت واقع نشود بنده این را پیشنهاد کردم که وزارت فرهنگ پس از خاتمه تحصیلات دانشکده در صورتی که رشته تحصیلی آن دانشجو مورد احتیاج نیست و وزارت فرهنگ تصویب نمیکند ادامه تحصیل ناهایسانس برای این محصلین کافی باشد بنده یک چنین نکته ای خواستم اضافه کنم و در این ماده بکنجایم (یک نفر از نمایندگان دومرتبه بخوانید) عرض کنم نظر بنده این بود که بعضی رشته های تحصیلی هست که تادوره دانشکده شاید اشخاصی که تاکنون آنجا تحصیل میکنند وزارت فرهنگ اگر ارزشان را قطع بکند یک ناراحتی و زحمتی برای والدین این محصلین فراهم بشود ولی پس از خاتمه دانشکده اگر آن رشته تحصیلی مورد تصویب وزارت فرهنگ نباشد تا لیسانس بنده روی مشاهده و تجربه خودم یک توضیح بیشتری برای روشن شدن مطلب عرض میکنم مثلاً در آمریکا ۱۶۰ نفر محصل ما داریم بنده اطلاع دارم تا آن موقعی که آنجا بودم و مأموریت داشتم ۶۰ نفر حقوق میخواندند آخر حقوق شدند نفر در آمریکا بخوانند و ارز دولتی بگیرند برای این مملکت نتیجه ای ندارد (صحیح است) نظر بنده این بود که واقعاً یک عده قابل بشوند عوض اینکه بروند رشته های وابخوانند که در این مملکت وسائل تحصیل فراهم است و مورد احتیاج زیاد هم نیست بروند رشته های فنی بخوانند و مافوق لیسانس رشته ای که مورد احتیاج است بخوانند و رشته هایی که زیاد مورد احتیاج نیست فقط اجازه داده شود تا حد لیسانس ادامه بدهند

**حشمی** - تبدیل که نباید کرد رشته ای که میخواهند باید آزاد باشند بخوانند

**رئیس** - آقای ارباب مغالفی؟

**رئیس** - آقای ارباب مغالفی؟

**معاون وزارت فرهنگ** - بنده مستحضر هستم در صورتیکه نماینده دولت یعنی وزارت فرهنگ قبول کند میشود رأی یزدانفر

**یزدانفر** - (معاون وزارت فرهنگ) خاطر مبارک آقایان نمایندگان محترم مستحضر است که برای کمک بمحصلین یک مبلغی در بودجه وزارت فرهنگ تصویب شده است معادل بیست میلیون تومان و مطابق میزان اعتباراتی که ما داریم نمی توانیم پیشنهاد ایشان را قبول کنیم بجهت اینکه مستلزم داشتن اعتبار اضافی است ولی در ماده چهارم در این لایحه پیش بینی شده و نظر ایشان تا اندازه ای تأمین شده است که کسانی که در رشته های معینی تحصیل میکنند در صورتیکه اعتباری داشته باشیم کمک بکنیم تأمین شده است و محتاج برای نیست

**معاون وزارت فرهنگ** - بنده بطور کلی نمی توانم قبول کنم چون اعتبار اضافی میخواهد

**رئیس** - پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد مینمایم که جمله ذیل بسطر سوم ماده ۲ لایحه محصلین ایرانی در خارجه پس از کلمه تحصیلات اضافه شود تا خاتمه تحصیلات بشرط آنکه پس از خاتمه دانشکده رشته تحصیلی آنان مورد تصویب

میروند و بجای اینکه میلیونها پول فرستاده میشود یک چند نفر معلم و پرسور عالی مقام با حقوق گزافی بیآورند و این جوانها در خود کشور تربیت کنند و تعلیم بدهند در قسمت های فنی و موضوعات فنی فقط باید یک عده ای بروند در آنجا در یک کارخانه ای این مطلب باشد که محصلینی که بخارجه می روند پس از کسب معلومات عالی و تحصیل بکشور عزیز بر گردند و باین مملکت معلم عالی مقام میشوند و جوانها در مملکت تحصیل کنند و آن هارا در کشور نگاهداشت تا فکرشان در خارجه عوض نشود آقایان این جوانها تیکه بخارجه میروند اکثر تعلیمات دیگری میگیرند و دیگر حاضر نیستند بیایند در این کشور زحمت بکشند بنابراین اساساً بغیر از مراحل فنی و امور فنی که وسایطش در کشور فراهم نیست بنده مخالفم که کمک هزینه بکسی داده بشود که بخارجه فرستند

**عمیدی نوری** - این صحیح نیست اینکه مخالفت نبود ایشان موافق صحبت کردند

**رئیس** - بلی اغلب که آقایان می آیند اینجا بعنوان مخالف می آیند و برعکس موافق صحبت میکنند خود آقایان باید توجه کنند

**حشمی** - بنده مخالفم

**رئیس** - آقای معاون وزارت فرهنگ

**معاون وزارت فرهنگ** - بنده خواستم باستمضار آقایان برسانم که نظر ایشان هم تأمین است برای اینکه مادر رشته های ادبیات و حقوق بطور کلی ارز نمیدهیم فقط بآن عده ای که در خرداد ماه در امتحانات دانشکده ها رتبه اول شده باشند ارز داده می شود باین ترتیب عده این اشخاص فوق العاده کم است مطابق آئین نامه هایی که الان ما داریم در قسمت های پزشکی مهندسی و علوم و کشاورزی البته در این رشته هایی که مورد احتیاج هست ارز می دهیم و محصل بخارجه میفرستیم و آنها ای که مورد احتیاج نمی باشند ما محدود کردیم فقط با اشخاصی که در خرداد ماه هرسال در دانشگاه تهران جزو رتبه اول باشند ممکن است باین ها کمک شود و عده زیادی هم هستند بنا بر این نظر ایشان تأمین است

**رئیس** - آقای مرآت اسفندیاری رأی بگیریم

**مرآت اسفندیاری** - اگر تأمین است بنده پس می گویم

**رئیس** پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می کنم تبصره ذیل بماده ۲ اضافه شود تبصره محصلین مشمول ماده فوق می توانند در یک رشته تحصیلی تحصیل نمایند و اگر پس از پایان رشته و فراغ تحصیل خواستند در رشته دیگری وارد

شوند از مزایای ماده من بوراستفاده نخواهند کرد

**احمد مهران**

**رئیس** - آقای مهران

**مهران** - بنده از بیانات آقایان این طور استنباط کردم یعنی همه شاید خواهان این مطلب باشند که محصلینی که بخارجه می روند پس از کسب معلومات عالی و تحصیل بکشور عزیز بر گردند و باین مملکت معلم عالی مقام میشوند و جوانها در مملکت تحصیل کنند (صحیح است) اما عملاً آنچه که در وزارت فرهنگ دیده ام حوادثی رخ میدهد که موجب شده بنده این پیشنهاد را بخارجه میروم و آن این است که عده زیادی بخارجه میروند و پس از گذراندن دوره تخصصی در آن کشوری که هستند کار قبول میکنند و تحت عنوان اینکه ما داریم رشته تخصصی دیگری را تحصیل می کنیم نه فقط در آن کشور میمانند بلکه انتظار دارند که ارز تحصیلی هم بهشان داده بشود بنابراین در شرایط تحصیلی و تعلیماتی امروز کشور ما فکر میکنم اگر یک کسی بخارجه رفت و در یک رشته تخصصی موفقیت پیدا کرد کاملاً برای مملکت کافی است و اساساً از این شاخ و آن شاخ پریدن موجب می شود که نه تخصصی در رشته اول پیدا کند و نه در رشته دوم و در نتیجه باعث اقامت طولانی در خارجه کشور میشود بنده محصلینی را می شناسم که ۱۸ سال در آن کشوری هستند که وارد شده اند و تحت عنوان اینکه تحصیل میکنند و رشته تخصصی جدیدی میخواهم فرا بگیریم همینطور به اقامتشان ادامه میدهند و حتی ادبیات و حقوق بطور کلی ارز نمیدهیم فقط بآن عده ای که در خرداد ماه در امتحانات دانشکده ها رتبه اول شده باشند ارز داده می شود باین ترتیب عده این اشخاص فوق العاده کم است مطابق آئین نامه هایی که الان ما داریم در قسمت های پزشکی مهندسی و علوم و کشاورزی البته در این رشته هایی که مورد احتیاج هست ارز می دهیم و محصل بخارجه میفرستیم و آنها ای که مورد احتیاج نمی باشند ما محدود کردیم فقط با اشخاصی که در خرداد ماه هرسال در دانشگاه تهران جزو رتبه اول باشند ممکن است باین ها کمک شود و عده زیادی هم هستند بنا بر این نظر ایشان تأمین است

**رئیس** - آقای مرآت اسفندیاری رأی بگیریم

**مرآت اسفندیاری** - اگر تأمین است بنده پس می گویم

**رئیس** پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می کنم تبصره ذیل بماده ۲ اضافه شود تبصره محصلین مشمول ماده فوق می توانند در یک رشته تحصیلی تحصیل نمایند و اگر پس از پایان رشته و فراغ تحصیل خواستند در رشته دیگری وارد

میروند و بجای اینکه میلیونها پول فرستاده میشود یک چند نفر معلم و پرسور عالی مقام با حقوق گزافی بیآورند و این جوانها در خود کشور تربیت کنند و تعلیم بدهند در قسمت های فنی و موضوعات فنی فقط باید یک عده ای بروند در آنجا در یک کارخانه ای این مطلب باشد که محصلینی که بخارجه می روند پس از کسب معلومات عالی و تحصیل بکشور عزیز بر گردند و باین مملکت معلم عالی مقام میشوند و جوانها در مملکت تحصیل کنند و آن هارا در کشور نگاهداشت تا فکرشان در خارجه عوض نشود آقایان این جوانها تیکه بخارجه میروند اکثر تعلیمات دیگری میگیرند و دیگر حاضر نیستند بیایند در این کشور زحمت بکشند بنابراین اساساً بغیر از مراحل فنی و امور فنی که وسایطش در کشور فراهم نیست بنده مخالفم که کمک هزینه بکسی داده بشود که بخارجه فرستند

**عمیدی نوری** - این صحیح نیست اینکه مخالفت نبود ایشان موافق صحبت کردند

**رئیس** - بلی اغلب که آقایان می آیند اینجا بعنوان مخالف می آیند و برعکس موافق صحبت میکنند خود آقایان باید توجه کنند

**حشمی** - بنده مخالفم

**رئیس** - آقای معاون وزارت فرهنگ

**معاون وزارت فرهنگ** - بنده خواستم باستمضار آقایان برسانم که نظر ایشان هم تأمین است برای اینکه مادر رشته های ادبیات و حقوق بطور کلی ارز نمیدهیم فقط بآن عده ای که در خرداد ماه در امتحانات دانشکده ها رتبه اول شده باشند ارز داده می شود باین ترتیب عده این اشخاص فوق العاده کم است مطابق آئین نامه هایی که الان ما داریم در قسمت های پزشکی مهندسی و علوم و کشاورزی البته در این رشته هایی که مورد احتیاج هست ارز می دهیم و محصل بخارجه میفرستیم و آنها ای که مورد احتیاج نمی باشند ما محدود کردیم فقط با اشخاصی که در خرداد ماه هرسال در دانشگاه تهران جزو رتبه اول باشند ممکن است باین ها کمک شود و عده زیادی هم هستند بنا بر این نظر ایشان تأمین است

**رئیس** - آقای مرآت اسفندیاری رأی بگیریم

**مرآت اسفندیاری** - اگر تأمین است بنده پس می گویم

**رئیس** پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می کنم تبصره ذیل بماده ۲ اضافه شود تبصره محصلین مشمول ماده فوق می توانند در یک رشته تحصیلی تحصیل نمایند و اگر پس از پایان رشته و فراغ تحصیل خواستند در رشته دیگری وارد

شوند از مزایای ماده من بوراستفاده نخواهند کرد

**احمد مهران**

**رئیس** - آقای مهران

**مهران** - بنده از بیانات آقایان این طور استنباط کردم یعنی همه شاید خواهان این مطلب باشند که محصلینی که بخارجه می روند پس از کسب معلومات عالی و تحصیل بکشور عزیز بر گردند و باین مملکت معلم عالی مقام میشوند و جوانها در مملکت تحصیل کنند (صحیح است) اما عملاً آنچه که در وزارت فرهنگ دیده ام حوادثی رخ میدهد که موجب شده بنده این پیشنهاد را بخارجه میروم و آن این است که عده زیادی بخارجه میروند و پس از گذراندن دوره تخصصی در آن کشوری که هستند کار قبول میکنند و تحت عنوان اینکه ما داریم رشته تخصصی دیگری را تحصیل می کنیم نه فقط در آن کشور میمانند بلکه انتظار دارند که ارز تحصیلی هم بهشان داده بشود بنابراین در شرایط تحصیلی و تعلیماتی امروز کشور ما فکر میکنم اگر یک کسی بخارجه رفت و در یک رشته تخصصی موفقیت پیدا کرد کاملاً برای مملکت کافی است و اساساً از این شاخ و آن شاخ پریدن موجب می شود که نه تخصصی در رشته اول پیدا کند و نه در رشته دوم و در نتیجه باعث اقامت طولانی در خارجه کشور میشود بنده محصلینی را می شناسم که ۱۸ سال در آن کشوری هستند که وارد شده اند و تحت عنوان اینکه تحصیل میکنند و رشته تخصصی جدیدی میخواهم فرا بگیریم همینطور به اقامتشان ادامه میدهند و حتی ادبیات و حقوق بطور کلی ارز نمیدهیم فقط بآن عده ای که در خرداد ماه در امتحانات دانشکده ها رتبه اول شده باشند ارز داده می شود باین ترتیب عده این اشخاص فوق العاده کم است مطابق آئین نامه هایی که الان ما داریم در قسمت های پزشکی مهندسی و علوم و کشاورزی البته در این رشته هایی که مورد احتیاج هست ارز می دهیم و محصل بخارجه میفرستیم و آنها ای که مورد احتیاج نمی باشند ما محدود کردیم فقط با اشخاصی که در خرداد ماه هرسال در دانشگاه تهران جزو رتبه اول باشند ممکن است باین ها کمک شود و عده زیادی هم هستند بنا بر این نظر ایشان تأمین است

**رئیس** - آقای مرآت اسفندیاری رأی بگیریم

**مرآت اسفندیاری** - اگر تأمین است بنده پس می گویم

**رئیس** پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می کنم تبصره ذیل بماده ۲ اضافه شود تبصره محصلین مشمول ماده فوق می توانند در یک رشته تحصیلی تحصیل نمایند و اگر پس از پایان رشته و فراغ تحصیل خواستند در رشته دیگری وارد

میروند و بجای اینکه میلیونها پول فرستاده میشود یک چند نفر معلم و پرسور عالی مقام با حقوق گزافی بیآورند و این جوانها در خود کشور تربیت کنند و تعلیم بدهند در قسمت های فنی و موضوعات فنی فقط باید یک عده ای بروند در آنجا در یک کارخانه ای این مطلب باشد که محصلینی که بخارجه می روند پس از کسب معلومات عالی و تحصیل بکشور عزیز بر گردند و باین مملکت معلم عالی مقام میشوند و جوانها در مملکت تحصیل کنند (صحیح است) اما عملاً آنچه که در وزارت فرهنگ دیده ام حوادثی رخ میدهد که موجب شده بنده این پیشنهاد را بخارجه میروم و آن این است که عده زیادی بخارجه میروند و پس از گذراندن دوره تخصصی در آن کشوری که هستند کار قبول میکنند و تحت عنوان اینکه ما داریم رشته تخصصی دیگری را تحصیل می کنیم نه فقط در آن کشور میمانند بلکه انتظار دارند که ارز تحصیلی هم بهشان داده بشود بنابراین در شرایط تحصیلی و تعلیماتی امروز کشور ما فکر میکنم اگر یک کسی بخارجه رفت و در یک رشته تخصصی موفقیت پیدا کرد کاملاً برای مملکت کافی است و اساساً از این شاخ و آن شاخ پریدن موجب می شود که نه تخصصی در رشته اول پیدا کند و نه در رشته دوم و در نتیجه باعث اقامت طولانی در خارجه کشور میشود بنده محصلینی را می شناسم که ۱۸ سال در آن کشوری هستند که وارد شده اند و تحت عنوان اینکه تحصیل میکنند و رشته تخصصی جدیدی میخواهم فرا بگیریم همینطور به اقامتشان ادامه میدهند و حتی ادبیات و حقوق بطور کلی ارز نمیدهیم فقط بآن عده ای که در خرداد ماه در امتحانات دانشکده ها رتبه اول شده باشند ارز داده می شود باین ترتیب عده این اشخاص فوق العاده کم است مطابق آئین نامه هایی که الان ما داریم در قسمت های پزشکی مهندسی و علوم و کشاورزی البته در این رشته هایی که مورد احتیاج هست ارز می دهیم و محصل بخارجه میفرستیم و آنها ای که مورد احتیاج نمی باشند ما محدود کردیم فقط با اشخاصی که در خرداد ماه هرسال در دانشگاه تهران جزو رتبه اول باشند ممکن است باین ها کمک شود و عده زیادی هم هستند بنا بر این نظر ایشان تأمین است

**رئیس** - آقای مرآت اسفندیاری رأی بگیریم

**مرآت اسفندیاری** - اگر تأمین است بنده پس می گویم

**رئیس** پیشنهاد دیگری قرائت میشود (شرح زیر خوانده شد)

پیشنهاد می کنم تبصره ذیل بماده ۲ اضافه شود تبصره محصلین مشمول ماده فوق می توانند در یک رشته تحصیلی تحصیل نمایند و اگر پس از پایان رشته و فراغ تحصیل خواستند در رشته دیگری وارد



داده می شود که با بقیمت بازرگانی به آن ها داده شود و یا کومک تحصیلی بشود این میزانی که فعلا داده میشود میزان قبلی است ۳۰ لیره میزان تحصیلی برای محصل در خارج تعیین شده و این ۳۰ لیره در حال حاضر کافی برای اعاشه و تأمین زندگی محصل نیست و اغلب پیش آمده است که این محصلین ناچار شده اند به اولیای خودشان مراجعه بکنند و آن ها هم در صیقه هستند که چگونه اضافه خرج را به آن ها کومک بکنند در ماده ۲ مثل اینکه متوجه این موضوع شده اند و گفته اند که هزینه و کومک هزینه طبق مقررات هیئت وزیران تعیین میشود پس پیداست که قصد وزارت فرهنگ این است که مجدداً یک تجدید نظری بشود و میزانی که باید اجازه ارز داده شود و کومک هزینه طبق تصویب نامه جدیدی معین بشود بنده برای اینکه بیشتر این معنی تأیید بشود و معلوم شود که این تصویب نامه جدید که تصویب میشود بفع محصلینی باشد یعنی بیشتر باشد بنده روی این نظر پیشنهاد کردم که بعد از جمله تعیین میشود اضافه بشود (بنحوی که کافی برای اعاشه و هزینه کتب تحصیلی که در کشوری که به تحصیل مشغول خواهد بود باشد) منظور بنده این است که در تصویب نامه هیئت وزیران میزانی که ارز تعیین میشود یک میزان کافی برای اعاشه و تأمین هزینه زندگی محصلین باشد جناب آقای وزیر فرهنگ این پیشنهاد همان است که جنابعالی موافقت فرمودید وقتی در قانون اخیر مقصود این است که افلا یک تأمین خاطر برای محصلین و اولیائشان باشد که این تصویب نامه مؤید این نکته است و چون فردا ممکن است که دولت دیگری وزیر فرهنگی که اطلاعاتش مثل جنابعالی نباشد چون جنابعالی خودتان در اروپا بوده و اطلاعات وسیعی در این عکار داشته و دارید بگوید که کمتر باشد این بقید جلوی یک چنین نظری را می گیرد و تأمین حق مردم و محصلینی است که در خارج هستند این بود پیشنهاد بنده

**رئیس - آقای وزیر فرهنگ**  
**وزیر فرهنگ (دکتر مهران) -** البته همانطور که جناب آقای عمیدی نوری تذکر داده نظر دولت هم همین بود که در تصویب نامه جدیدی که هیئت دولت تصویب خواهد کرد برای ارزی که به دانشجویان داده میشود کفاف احتیاجات تحصیلی آنها و اعاشه شان را بطوری که لازم است بدهد البته این ماده تعیین میکند میزان کومکی که دولت خواهد کرد با آنها و میزان ارزی که علاوه بر آن کومک از طرف کمیسیون ارز با آنها داده خواهد شد در تصویب نامه تعیین می شود البته منظور جنابعالی این است که مجموع این مبلغی

که تعیین می شود کفاف آن احتیاجات را بدهد نه اینکه کومک دولت کفاف تمام احتیاجات را بکنند پس اگر موافقت بفرمائید اینطور اصلاح شود بنحوی که این وجوه مجموعاً کافی برای اعاشه آنها باشد با این ترتیب بنده موافقم

**رئیس -** با چه اصلاحی قبول کردید

**عمیدی نوری -** بنده پیشنهاد میکنم که جمله (مجموع ارز) جلوی (کافی) بگذارند

**رئیس -** پیشنهاد اینطور اصلاح شده که قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

بنحوی که مجموع میزان کومک هزینه و ارز کافی برای اعاشه و همچنین جبران هزینه کتب و لوازم تحصیلی در کشوری که تحصیل مشغول خواهد بود باشد

**وزیر فرهنگ -** میخواستم استدعا کنم آقای عمیدی نوری موافقت بفرمایند آن (مجموعاً) را جلوی کافی بگذارند باین ترتیب که (میزان کومک هزینه و ارز مجموعاً کافی برای اعاشه) . . .

**رئیس -** پیشنهاد با اصلاحی که شده مجدداً قرائت می شود توجه بفرمائید رای گرفته میشود (شرح زیر قرائت شد)

بنحوی که میزان کومک هزینه و ارز مجموعاً کافی برای اعاشه و همچنین جبران هزینه کتب و لوازم تحصیلی در کشوری که تحصیل مشغول خواهد بود باشد

**رئیس - آقایانی که با این پیشنهاد موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند)**

پیشنهاد می نمایم تبصره ذیل بماده ۲ اضافه شود

تبصره - اگر محصلینی که از کومک مالی دولت استفاده نکرده اند پس از درس و خاتمه تحصیل به ایران مراجعت نمایند برابر سالهای تحصیلی در ایران خدمت نکنند باید کومک مالی و کلیه مخارجی را که دولت برای آنها نموده با اضافه نصف آن مسترد دارند این قبیل ذخیره باید منحصرأ بمصرف اعزام محصلین طبق ماده ۱ و تبصره های آن برسد .

**رئیس - آقای مهندس فروهر**  
**مهندس فروهر** پیشنهاد آقای صدرزاده در ماده ۱ تصویب شد که خلاصه اش این بود که محصلینی که در واقع سرمایه مملکت هستند بعد از خاتمه تحصیلات به ایران باید برگردند و فقط صرف برگشتن این اشخاص به ایران بود البته در هر قسمتی که کار بکنند کومکی به پیشرفت عمران و آبادانی وضع مملکت خواهد کرد یک عده محصلین بخرج خودشان

خواهند رفت که آزاد هستند نسبت به آنها یعنی نداریم ولی عده ای که با بودجه مملکت تحصیل میکنند و سالی ۲۰ میلیون تومان از بودجه این مملکت استفاده میکنند و آقای وزیر محترم فرهنگ فرمودند که در حدود ۲۰ میلیون تقریباً در سال خرج میشود این یک سرمایه است که این مملکت میگذارد به امید اینکه از آن بهره برداری کند متأسفانه دیده شده است که بیک دلایلی که نمیخواهم وارد بشوم بعد از خاتمه تحصیل یک عده زیادی بر نمیگردند و این نقض فرض است که ۲۰ میلیون تومان از کشور خارج بشود و بعد نصف آن هدر برود این بود که بنده پیشنهاد میکنم برای اینکه این محصلین در اجرای تبصره ماده یک بنشینیم و هم اعاشه آرزو مند باشیم که یکرز و رفسو و راهی مقام جراحی باشم این انجام نمیشود یک قدری گذشت لازم است یک قدری همکاری لازم است تا آنچه که آرزو مندیم بدست آوریم البته هر کس هر چه دارد خداوند بیشتر بهش بدهد و این آقایانی که اینجا تشریف دارند و جمع هستند از طرف اکثریت حوزه انتخابیه شان انتخاب شده اند و آراء مجلس و افکار مجلس باید متوجه اکثریت ملت باشد اصول مشروطیت هم قسمت اعظمش روی نظر دخل و خرج مملکت است نه تنها رسیدگی به حساب پس تا آن اندازه ای که مقدور هست باید در امور صرفه جویی شود روح این قانون چیست روح این قانون این است که ما عده ای را تربیت بکنیم برای توسعه فرهنگ و با آنها کومک بکنیم بروند تحصیل کنند و برگردند به مملکت خدمت بکنند بنده در این قانون هیچوقت ندیدم که یک کومک مالی منظور باشد بلکه کومک مالی بمنظور مصلحت ملت ایران است بنابراین با توجه بنحوه رفتاری که ممالک متدنه ای که سر مشق امروزی ما قرار گرفته اند و هر روز اتقادی که از اوضاع مملکت خودمان میکنند باقیس به اوضاع آنهاست باین نحو که در مملکت آمریکا امروزه خیا بانی که آقایان تشریف میبرند آثاری می بینند که قسمت اعظم آنچه که فرهنگ کومک شده افراد متمکن این کومک را کرده اند نه دولت این و فقهای که در مملکت ما انجام می گرفت برای بعد از مرگ خودشان بیشترش را توجه بفرمائید نظر این بود که ثوابی برای آن دنیا تهیه بکنند و برای این بود که جامعه از آنها استفاده ببرد با توجه بتوضیحاتی که عرض کردم بنده خیال میکنم اگر آقایانی که بهشان بدهد یک مختصری از این تمکن را هم صرف تربیت اولاد خودشان بکنند بدون استفاده از بیت المال و این مجال را بدهند باشخاصی که استعداد دارند و توانائی مالی برای تحصیل ندارند که آنها هم بروند و تحصیل کنند و برگردند و این یک خدمتی است بمملکت البته خوشبختانه اکثر آقایانی

**اردلان -** افلاس نامه که نباید از دست رئیس - آقای رامید

**رامید -** با اجازه آقایان بنده يك بار پیشنهادم را میخوانم (پیشنهاد درامجداً بهمان شرح قرائت کردند)

عموم آقایان که اینجا تشریف دارند بنده در تمام طول مدت چه در داخل مجلس و چه خارج مجلس قبل از اینکه خودم بمجلس بیایم متوجه بودم که تمام مساعیشان برای این است که وضع مملکت ما بهتر بشود انتقادهائی که در پشت این تریبون نسبت باوضاع این مملکت شده برای همین منظور است اما يك اصل مسلم هست که هیچ چیز مفت بدست نمی آید بنده اگر در خانه ام بنشینم و هم اعاشه آرزو مند باشم که یکرز و رفسو و راهی مقام جراحی باشم این انجام نمیشود یک قدری گذشت لازم است یک قدری همکاری لازم است تا آنچه که آرزو مندیم بدست آوریم البته هر کس هر چه دارد خداوند بیشتر بهش بدهد و این آقایانی که اینجا تشریف دارند و جمع هستند از طرف اکثریت حوزه انتخابیه شان انتخاب شده اند و آراء مجلس و افکار مجلس باید متوجه اکثریت ملت باشد اصول مشروطیت هم قسمت اعظمش روی نظر دخل و خرج مملکت است نه تنها رسیدگی به حساب پس تا آن اندازه ای که مقدور هست باید در امور صرفه جویی شود روح این قانون چیست روح این قانون این است که ما عده ای را تربیت بکنیم برای توسعه فرهنگ و با آنها کومک بکنیم بروند تحصیل کنند و برگردند به مملکت خدمت بکنند بنده در این قانون هیچوقت ندیدم که یک کومک مالی منظور باشد بلکه کومک مالی بمنظور مصلحت ملت ایران است بنابراین با توجه بنحوه رفتاری که ممالک متدنه ای که سر مشق امروزی ما قرار گرفته اند و هر روز اتقادی که از اوضاع مملکت خودمان میکنند باقیس به اوضاع آنهاست باین نحو که در مملکت آمریکا امروزه خیا بانی که آقایان تشریف میبرند آثاری می بینند که قسمت اعظم آنچه که فرهنگ کومک شده افراد متمکن این کومک را کرده اند نه دولت این و فقهای که در مملکت ما انجام می گرفت برای بعد از مرگ خودشان بیشترش را توجه بفرمائید نظر این بود که ثوابی برای آن دنیا تهیه بکنند و برای این بود که جامعه از آنها استفاده ببرد با توجه بتوضیحاتی که عرض کردم بنده خیال میکنم اگر آقایانی که بهشان بدهد یک مختصری از این تمکن را هم صرف تربیت اولاد خودشان بکنند بدون استفاده از بیت المال و این مجال را بدهند باشخاصی که استعداد دارند و توانائی مالی برای تحصیل ندارند که آنها هم بروند و تحصیل کنند و برگردند و این یک خدمتی است بمملکت البته خوشبختانه اکثر آقایانی

که اینجا تشریف دارند بمجد الله از متوالین هستند و اگر این پیشنهاد بنده تصویب شود يك بار دیگر هم برای عموم ملت ایران مجدداً خواهد شد که شما خلیف بفرمایند آنها هستند و در این فکر هستند که از خودتان هم مایه ای بگذارید

**رئیس -** اینجا پنج دقیقه ممکن است توضیح داد ولی در اصل پیشنهاد نه در نطق قیام از دستور آقای اردلان مخالفید ؟ (اردلان - مخالفه) بفرمائید

**اردلان -** بنده يك سابقه ای دارم از این قبیل پیشنهادات و بعضی آقایان میسرانم که توجه بفرمائید و آن این است که نباید حیثیت مردم را تا اندازه ای جریحه دار کرد در قانون تقاعد وقتی که کمکی می شد بتقاعدین نوشته شده بود که مثلاً معلوم شود این آدم احتیاج دارد آنوقت این را بدست آوریم البته هر کس هر چه دارد خداوند بیشتر بهش بدهد و این آقایانی که اینجا تشریف دارند و جمع هستند از طرف اکثریت حوزه انتخابیه شان انتخاب شده اند و آراء مجلس و افکار مجلس باید متوجه اکثریت ملت باشد اصول مشروطیت هم قسمت اعظمش روی نظر دخل و خرج مملکت است نه تنها رسیدگی به حساب پس تا آن اندازه ای که مقدور هست باید در امور صرفه جویی شود روح این قانون چیست روح این قانون این است که ما عده ای را تربیت بکنیم برای توسعه فرهنگ و با آنها کومک بکنیم بروند تحصیل کنند و برگردند به مملکت خدمت بکنند بنده در این قانون هیچوقت ندیدم که یک کومک مالی منظور باشد بلکه کومک مالی بمنظور مصلحت ملت ایران است بنابراین با توجه بنحوه رفتاری که ممالک متدنه ای که سر مشق امروزی ما قرار گرفته اند و هر روز اتقادی که از اوضاع مملکت خودمان میکنند باقیس به اوضاع آنهاست باین نحو که در مملکت آمریکا امروزه خیا بانی که آقایان تشریف میبرند آثاری می بینند که قسمت اعظم آنچه که فرهنگ کومک شده افراد متمکن این کومک را کرده اند نه دولت این و فقهای که در مملکت ما انجام می گرفت برای بعد از مرگ خودشان بیشترش را توجه بفرمائید نظر این بود که ثوابی برای آن دنیا تهیه بکنند و برای این بود که جامعه از آنها استفاده ببرد با توجه بتوضیحاتی که عرض کردم بنده خیال میکنم اگر آقایانی که بهشان بدهد یک مختصری از این تمکن را هم صرف تربیت اولاد خودشان بکنند بدون استفاده از بیت المال و این مجال را بدهند باشخاصی که استعداد دارند و توانائی مالی برای تحصیل ندارند که آنها هم بروند و تحصیل کنند و برگردند و این یک خدمتی است بمملکت البته خوشبختانه اکثر آقایانی

عندی بود ؛ اشکال بزرگ همین بود که يك ملاک و معیاری برای تشخیص نبوده بنده استدعا می کنم این کمک فعلا بيك مجدداً خواهد شد که شما خلیف بفرمایند آنها هستند و در این فکر هستند که از خودتان هم مایه ای بگذارید

**رئیس -** اینجا پنج دقیقه ممکن است توضیح داد ولی در اصل پیشنهاد نه در نطق قیام از دستور آقای اردلان مخالفید ؟ (اردلان - مخالفه) بفرمائید

**اردلان -** بنده يك سابقه ای دارم از این قبیل پیشنهادات و بعضی آقایان میسرانم که توجه بفرمائید و آن این است که نباید حیثیت مردم را تا اندازه ای جریحه دار کرد در قانون تقاعد وقتی که کمکی می شد بتقاعدین نوشته شده بود که مثلاً معلوم شود این آدم احتیاج دارد آنوقت این را بدست آوریم البته هر کس هر چه دارد خداوند بیشتر بهش بدهد و این آقایانی که اینجا تشریف دارند و جمع هستند از طرف اکثریت حوزه انتخابیه شان انتخاب شده اند و آراء مجلس و افکار مجلس باید متوجه اکثریت ملت باشد اصول مشروطیت هم قسمت اعظمش روی نظر دخل و خرج مملکت است نه تنها رسیدگی به حساب پس تا آن اندازه ای که مقدور هست باید در امور صرفه جویی شود روح این قانون چیست روح این قانون این است که ما عده ای را تربیت بکنیم برای توسعه فرهنگ و با آنها کومک بکنیم بروند تحصیل کنند و برگردند به مملکت خدمت بکنند بنده در این قانون هیچوقت ندیدم که یک کومک مالی منظور باشد بلکه کومک مالی بمنظور مصلحت ملت ایران است بنابراین با توجه بنحوه رفتاری که ممالک متدنه ای که سر مشق امروزی ما قرار گرفته اند و هر روز اتقادی که از اوضاع مملکت خودمان میکنند باقیس به اوضاع آنهاست باین نحو که در مملکت آمریکا امروزه خیا بانی که آقایان تشریف میبرند آثاری می بینند که قسمت اعظم آنچه که فرهنگ کومک شده افراد متمکن این کومک را کرده اند نه دولت این و فقهای که در مملکت ما انجام می گرفت برای بعد از مرگ خودشان بیشترش را توجه بفرمائید نظر این بود که ثوابی برای آن دنیا تهیه بکنند و برای این بود که جامعه از آنها استفاده ببرد با توجه بتوضیحاتی که عرض کردم بنده خیال میکنم اگر آقایانی که بهشان بدهد یک مختصری از این تمکن را هم صرف تربیت اولاد خودشان بکنند بدون استفاده از بیت المال و این مجال را بدهند باشخاصی که استعداد دارند و توانائی مالی برای تحصیل ندارند که آنها هم بروند و تحصیل کنند و برگردند و این یک خدمتی است بمملکت البته خوشبختانه اکثر آقایانی

تمکن مالی دارند دیگر کمک نکند

**رئیس -** آقای وزیر فرهنگ .

**وزیر فرهنگ -** این پیشنهاد در واقع همان پیشنهاد آقای رامید است بعبارت دیگر و همان اشکالاتی که عرض کردم خواهد داشت فقط يك چیزی است و آن این است که این پیشنهاد به آن صراحت نیست و نتیجه اش این خواهد شد که يك عده محصل داناتما در ترازول هستند که مبادا بگویند که با آنها کمک نمیکنیم و بعقیده من این مصلحت نیست و بهمان دلایلی که عرض کردم استدعا میکنم پیشنهادشان را پس بگیرند

**رئیس -** آقای رامید پس گرفتید؟

**رامید -** بنده چون بتجربیات آقای وزیر فرهنگ واقف هستم چون بفرمایند عملی نیست پس میگیرم (احسن)

**رئیس -** پیش نهاد دیگری قرائت می شود (پیشنهاد آقای فضائلی شرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم در ماده ۲ پس از جمله (که هزینه تحصیلی پرداخت خواهد شد) اضافه شود مگر اینکه تمکن مالی و توانائی محصل باولی او معجز گردد فضائلی

**رئیس -** آقای فضائلی

**فضائلی -** استدعا میکنم آقایان توجه بفرمایند این پیشنهادی را که بنده کردم برای رفع اشکالی بود که در پیشنهاد آقای رامید بود پیشنهادی که آقای رامید کردند البته اصولاً صحیح است اما از لحاظ عمل مشکلات فراوانی برای وزارت فرهنگ و مردمی که فرزندانشان را میخواهند بفرستند برای تحصیل یا فرستاده اند برای تحصیل ایجاد خواهد کرد زیرا همانطور که جناب آقای اردلان فرمودند بایستی همه بروند و عدم بضاعت خودشان را ثابت بکنند و این کار بسیار مشکلی خواهد بود اما يك نکته ای هم هست و آن اینست که فعلاً مشغول تحصیل باشند در آلمان دارند آنجا تحصیل میکنند و دارای تمکن مالی هم هستند و معهذاً کمکی هم می گیرند و حق اینست که این کمک را آنها نگیرند و افرادی از این کمک استفاده کنند که دارای تمکن نیستند از اینجهت بنده در واقع فکر آقای رامید را باین صورت منقلب کردم که اشخاصی که کمک میگیرند بگیرند ولی اگر بدون معجز شد که اولیای آنها یا خود آنها تمکن مالی دارند این کمک قطع بشود این احراز با وزارت فرهنگ است اگر يك وقتی اطلاع رسید که فلا نکس تمکن دارد دیگر کمک مالی نگیرد این نکته را عرض کنم که آقای وزیر فرهنگ اشاره کردند بماده ۱ این مطلب ماده ۱ فرق دارد زیرا ماده ۲ میگوید باید داده شود و ممکن است آنهایی که می گیرند وسطشان یکی دو تا باشند که تمکن مالی دارند این حق برای وزارت فرهنگ باشد که هر وقت احراز کرد آنها

باشد ارائه دهند از طرف وزارت فرهنگ گذرنامه تحصیلی داده می شود این قبیل محصلین در تمام مدتی که منظمأ بتحصیل اشتغال دارند با اجازه وزارت فرهنگ از ارزینتر خرفروش بانک ملی بمیزانی که هیئت وزیران تعیین مینماید استفاده خواهند نمود

**رئیس -** آقای دکتر شاهکار

مخالفه ادکتر شاهکار - ملی قربان مخالفم) بفرمائید

**دکتر شاهکار -** آقای علامه از من می پرسیدند که امروز خیلی شاد نظر می آئی حقیقت اینست که من بقدری از طرح و تصویب این قانون خوشوقت هستم که در پوست خود نمسکنم ولی معتقدم که نظر اکثریت آقایان نمایندگان محترم این است که این لایحه زودتر تصویب شود و این خدمت بنده جوان و با استعداد این مملکت بشود و این مخالفتی که میکنم راجع باین گذرنامه تحصیلی است جناب آقای رئیس محترم مجلس آقایان نمایندگان در تمام دنیا نسبت بمحصلین يك ارفاقهائی می شود فقط از نظر اینکه دنبال این حرفه مقدس هستند باید به آنها ارفاقهائی بشود من اینجا جذب توجه وزارت فرهنگ را میکنم و از آقای وزیر فرهنگ که واقماً مرد فرهنگی هستند استدعا میکنم که يك مقررات خاصی برای صدور گذرنامه تحصیلی در نظر بگیرند بقدری گرفتن گذرنامه مشکل است کنهات ندارد میخواستم از موقع این استفاده را بکنم و تقاضا کنم که يك مقررات استثنائی برای صدور گذرنامه تحصیلی در نظر بگیرند (صحیح است - احسن)

**رئیس -** آقای دکتر سید امامی

**دکتر سید امامی -** بنده موافقت ولی بطور مشروط عرض کنم همان اشکالاتی که آقای دکتر شاهکار گفتند واقماً هست يك اشکالات فوق العاده برای محصلینی که بیرون بخارج یا محصلینی که در خارج هستند و می آیند باین و دور تری می خواهند برگردند وجود بود بایستی وزارت فرهنگ دستور بدهد یا کافند بدهد برونند شهرانی مدتی معطل میشوند محصلینی که از خارج می آیند اینها هم مثل اول باید بروند و يك اشکالات عجیبی است آقایان می دانند آقایانیکه اولاد در خارج دارند يك ماه و نیم که اینها برای تعطیل می آیند تمام وقت خودشان و اولیای آنها برای این اشکالات گرفته میشود این تشکیلاتی که ما داریم برای راحتی مردم است اما تمام تشکیلات ما برای زحمت مردم است آقای وزیر فرهنگ نمیکنم باشهرانی در تماس باشند بکنورم ولی پیدا کنند و یک تریبی بدهند که محصلین راحت باشند چندین هفته در وزارت فرهنگ باید بمانند

**مذاکرات مجلس شورای ملی**

**صفحه ۵**

که اینجا تشریف دارند بمجد الله از متوالین هستند و اگر این پیشنهاد بنده تصویب شود يك بار دیگر هم برای عموم ملت ایران مجدداً خواهد شد که شما خلیف بفرمایند آنها هستند و در این فکر هستند که از خودتان هم مایه ای بگذارید

**رئیس -** اینجا پنج دقیقه ممکن است توضیح داد ولی در اصل پیشنهاد نه در نطق قیام از دستور آقای اردلان مخالفید ؟ (اردلان - مخالفه) بفرمائید

**اردلان -** بنده يك سابقه ای دارم از این قبیل پیشنهادات و بعضی آقایان میسرانم که توجه بفرمائید و آن این است که نباید حیثیت مردم را تا اندازه ای جریحه دار کرد در قانون تقاعد وقتی که کمکی می شد بتقاعدین نوشته شده بود که مثلاً معلوم شود این آدم احتیاج دارد آنوقت این را بدست آوریم البته هر کس هر چه دارد خداوند بیشتر بهش بدهد و این آقایانی که اینجا تشریف دارند و جمع هستند از طرف اکثریت حوزه انتخابیه شان انتخاب شده اند و آراء مجلس و افکار مجلس باید متوجه اکثریت ملت باشد اصول مشروطیت هم قسمت اعظمش روی نظر دخل و خرج مملکت است نه تنها رسیدگی به حساب پس تا آن اندازه ای که مقدور هست باید در امور صرفه جویی شود روح این قانون چیست روح این قانون این است که ما عده ای را تربیت بکنیم برای توسعه فرهنگ و با آنها کومک بکنیم بروند تحصیل کنند و برگردند به مملکت خدمت بکنند بنده در این قانون هیچوقت ندیدم که یک کومک مالی منظور باشد بلکه کومک مالی بمنظور مصلحت ملت ایران است بنابراین با توجه بنحوه رفتاری که ممالک متدنه ای که سر مشق امروزی ما قرار گرفته اند و هر روز اتقادی که از اوضاع مملکت خودمان میکنند باقیس به اوضاع آنهاست باین نحو که در مملکت آمریکا امروزه خیا بانی که آقایان تشریف میبرند آثاری می بینند که قسمت اعظم آنچه که فرهنگ کومک شده افراد متمکن این کومک را کرده اند نه دولت این و فقهای که در مملکت ما انجام می گرفت برای بعد از مرگ خودشان بیشترش را توجه بفرمائید نظر این بود که ثوابی برای آن دنیا تهیه بکنند و برای این بود که جامعه از آنها استفاده ببرد با توجه بتوضیحاتی که عرض کردم بنده خیال میکنم اگر آقایانی که بهشان بدهد یک مختصری از این تمکن را هم صرف تربیت اولاد خودشان بکنند بدون استفاده از بیت المال و این مجال را بدهند باشخاصی که استعداد دارند و توانائی مالی برای تحصیل ندارند که آنها هم بروند و تحصیل کنند و برگردند و این یک خدمتی است بمملکت البته خوشبختانه اکثر آقایانی

**۵ - اخذ رأی و تصویب تقاضای آقای معاون نخست وزیر دایره در دستور گذاشتن لایحه تأسیس وزارت گمرکات و انحصارات**

**رئیس -** يك تقاضائی آقای معاون نخست وزیر کرده اند که فوریت هم دارد و قرائت می شود (شرح زیر قرائت شد)

(ریاست محترم مجلس شورای ملی متمنی است مقرر فرمایند که لایحه ایجاد وزارت گمرکات و انحصارات در دستور مجلس شورای ملی قرار گیرد - ناصر ذوالفقاری معاون پارلمانی نخست وزیر)

**رئیس -** مجلس موافقت است (جمعی از نمایندگان - بعد از تصویب لایحه اعزام محصل) این يك رأی بیشتر ندارد و جلسه آینده جز دستور خواهیم گذاشت ولی باید رای بگیریم باین پیشنهاد چون دستور ۱۵ روزه را معین کرده ایم اگر بخواهند تغییر پیدا کند با پیشنهاد ۱۵ نفر از نمایندگان لازمست که تقاضا کنند یا باید پیشنهاد دولت باشد بنابراین اگر آقایان موافقتند که جز دستور شود قیام بفرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد

**۶ - مذاکره در گزارش کمیسیون فرهنگ مربوط بمقررات اعزام محصل بخارج**

**رئیس -** ماده سوم قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

ماده سوم - محصلینی که بخواهند به هزینه شخصی خود بدون کمک مالی دولت برای تحصیل بخارج بروند در صورتیکه گواهی ثبت نام از یکی از مدارس رسمی بخارج که مورد تأیید وزارت فرهنگ



چندین هفته در شهر بانی معطل شوند و واقعا آتما بستمویا آورند اگر ممکن است پیشنهاد میکنم بطور تبصره که يك تریبی اتخاذ کنند که معصلینی که بخر خودشان یا بخرج دولت تحصیل میکنند یا معصلینی که آنجا هستند باین میآیند برای مراجعت آنها يك تسهیلاتی فراهم بکنند و وزارت فرهنگ و شهر بانی باید اینکار را بکنند

**رئیس** - آقای مسعودی مخالفید؟

**مسعودی** - بنده موافقم ایشانهم موافق صحبت کردند

**رئیس** - آقای بهادری (بهادری) بنده موافقم آقای امیدسالار بفرمائید

**امیدسالار** - بنده مخالفتم مربوط باصل رفتن بااروپا نیست موضوع مدرسی است که در اینجا آطور که ماده نوشته شده است میگوید هر کس حق دارد همینقدر که از مدرسه ای پذیرش داشته باشد برود یعنی از کلاس اول ممکن است برود بنده مخالفتم برای اینست جناب آقای وزیر فرهنگ و آقایان همکاران محترم که در موضوع این لایحه صحبت فرمودند و راجع بمحاسن و مزایای صحبت کردند همه تأیید کردند که منظور این است که بگردد از جوانهای مملکت را بفرستند بخارج برای اینکه در رشته های تخصصی که دانشگاه یا فرهنگ ما نواقص دارد در آنجا وسایل بیشتری هست استفاده بکنند اما چنانچه اینرا با باز کنیم بچارا بنده در خارج بودم و دیده ام و با تقسیم ر خوردن هم و جناب آقای مغیر کمیسیون هم در همان موقع آنجا تشریف داشتند اگر ما اجازه بدهیم که اطفا امان از سنین ابتدائی بروند در آنجا تربیت بشوند چند عیب پیدا خواهد شد اجازه بدمیدم معایبش را دانسته باشم عرض کنم چون خود آنجا بوده ام و با آقایان سرپرست هاهم در تماس بوده ام اولش این است که این آقا زاده ای که از اینجا می رود برای اینکه در زبان مادری خودش قوی نیست وقتیکه ۱۲ سال و ۱۸ سال در آنجا بماند و تحصیلات خودش را از مراحل ابتدائی تا آخرین مرحله دانشگاه بزیان خارجی طی کند زبان مادری خودش را فراموش خواهد کرد و همان قضیه جعفر خان از فرهنگ آمده است خواهد شد تا بنام مسئله ای که اینج توجه نمیشود این است که بین کیسه ملت و کیسه دولت تفاوت قائل شده است یعنی گفته است آنها اینکه از کیسه دولت استفاده میکنند باینکه شرايطی بروند هیچ شرطی نمیخواهد در صورتیکه سرمایه مال مملکت است بین دولت رملت نباید تفاوت قائل شد از اینکه بخارج می رود مال این مملکت است چه از صندوق دولت باشد چه از جیب بنده آقا و عیب بعد اینست که (حتمی) بشاگرد کلاس ششم متوسط هم

ارزنده اند) فرق نمیکند پولش را بنده و جنابعالی میدهم بنده معتمد وقتیکه این بچه رفت با آنجا و تمام آنچه که در آنجا فرامیگیرد مثل االرم فی الصفر کاقش فی العجز در برشه جان و پوست و عروق او رفت خیلی مشکل است که خودش را با اوضاع و احوال این مملکت تطبیق بدهد و برای خانه و خانواده و کشور موجب زحمت خواهد شد و هیچ اثر و نتیجه ای میخواهید گرفت در اینجا بی مناسبت نمیدانم عرض کنم که اوضاع فرهنگی مادر این چند ساله اخیر ترقیات محسوسی کرده است همین آقای وزیر فرهنگ ما بسیار مورد اعتماد است و بسیار زحمت میکشد صاحب منصبان بسیار لایق و کافی در وزارت فرهنگ هستند ما مدارس ابتدائی دولتی و مدارس ابتدائی ملی، مدارس حرفه ای مدارس نمونه مدارس زبان همه جور داریم و چه احتیاجی داریم این بچه هائی که هنوز در از بر تشخیص نمی دهند و همینطور که یکی از آقایان رفقا خیال میکنند جناب آقای تیمورتاش فرمودند آنها اینکه دیلم متوسطه دارند افرادی هستند که بجائی رسیده اند که تیکر از بد تشخیص بدهند ولی آن افرادی که بچه های نابالشان را میفرستند آنجا بنده خجالت میکشم بگویم که چه معایب اخلاقی پیدا میکنند اینها افرادی نیستند که نیک را از بد تشخیص بدهند و جز بضرر مملکت نخواهد بود از اینجهت بود که بنده پیشنهاد هم کرده ام که کلیه مدارس تبدیل به دانشکده شود

**رئیس** - آقای دکتر رضائی مخالفید یا موافق (دکتر رضائی - موافقم) پس آقای مسعودی بفرمائید

**مسعودی** - بنده مقدمه باید عرض کنم که خیلی خوشحالم که آقای امیدسالار با مسافرتی که بخارج فرمودند افکارشان تغییر کرده و بین دولت و ملت از نظر مالی هم فرقی قائل نیستند و این واقعا فکر بسیار خوبی است و انشاء الله عمل بفرمائید ولی آقا کسیکه میخواهد بچه اش را بخرج خودش بخارج بفرستد آنقدر دل سوزی دارد که بتواند او را در يك محیط بگذارد که آلودگی پیدا نکنند بنده که بچاهم را بخرج خودم میفرستم نمیخواهم از قاجاق بکنم والا نرخ فعلی بازار با نرخی که بانک ملی میفرودهد لیره ای فرض بفرمائید ۲ ریال یا هر دلار دهشاهی فرق دارد بنده نمیخواهم قاجاق بکنم و آلودگی پیدا کنم برای بچه خودم و وظیفه ای که پدر و مادر دارند این است که بچه شان را تربیت بکنند و محیطی که برایشان انتخاب میکنند خودشان مختارند و این بچه چکس مربوط نیست نه بدولت مربوط است و نه بملت البته بنده نمیخواهم عرض کنم بایستی که وزارت فرهنگ هم موافقت کند که گذرنامه تحصیلی بدهد یعنی تشخیص بدهد این

مدرسه ای که بچه تحصیل میکند واقعا مدرسه است یا گردشگاه و تفریحگاه است اگر واقعا مدرسه است تذکره تحصیلی بدهد این هیچ مانعی ندارد حالا ممکن است بگردد ای رفته باشد که آلودگی هم پیدا کرده باشند این تقصیر پدر و مادرشان است باید آنها را بخواهند و نگذارند آلودگی زیاد شود ولی اگر کسی خواست بچه اش را تربیت کند و خرجش را هم خودش بدهد این بنظر من هیچ مانعی ندارد و بایستی يك نشوینی هم از این قبیل اشخاص بشود

**رئیس** - چون دیگر کسی بعنوان مخالف اجازه صحبت نخواسته است پیشنهادات مربوط باین ماده قرائت میشود

(پیشنهاد آقای امیدسالار بشرح زیر قرائت شد)

(پیشنهاد میکنم در ماده سوم کلمه مدارس بدانشکده) تبدیل شود

**امیدسالار**

**رئیس** - آقای امیدسالار

**امیدسالار** - بنده در ضمن مخالفت با کلیات ماده توضیحاتی که لازم بود عرض رساندم فقط در اینجا اضافه میکنم برای آن قسمتی که عرض کردم آقایان محترم بیکه بخارج تشریف بردند و با سرپرست هاتماس گرفته اند خیال میکنم اینرا تأیید بفرمائید اگر احیاناً کسانی بوده اند اینکار را کرده اند قانون برای شخص نباید وضع و تدوین شود اما اینجا يك قانونی را تصویب میکنیم و تنقیح میکنیم برای در نظر گرفتن تمام اطراف و جوانب کار و برای تمام مملکت است و عرض کردم برای اینکار تمام وسایل لازم را برای تربیت بچه های خودمان وزارت فرهنگ برای ما فراهم کرده است و ما چرا بچه هایمان را بفرستیم بخارج اگر آقایان خیال میکنند که خودشان پول میدهند بنظر من پول مملکت است نه پول خودشان

**رئیس** - آقای دکتر شاهکار مخالفید بفرمائید

**دکتر شاهکار** - عرض کنم جناب آقای امیدسالار قبلا نظر جنابعالی را باصل ۱۸ متمم قانون اساسی جلب میکنم اصل ۱۸ تحصیل و تعلم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه که شرعا ممنوع باشد بسیار متأسفم که عرض کنم که پیشنهادها برخلاف اصل ۱۸ متمم قانون اساسی است و قابل طرح در مجلس نیست (صحیح است)

**رئیس** - آقای وزیر فرهنگ

**وزیر فرهنگ** - در کلیات ماده ۱ اشاره ای فرمودند راجع بشرفیات گذرنامه بنده خواستم عرض کنم که البته این بود ولی این عیب در همین قانون رفع شده است برای اینکه در این ماده که ملاحظه میفرمائید گذرنامه را وزارت فرهنگ خواهد داد بنا بر این تشریفات دیگر ضرورت ندارد

آخر آه ما با شهر بانی توافق کردیم که يك معصلي که در خارج هست و در ایام تابستان میخواهد بمملکت خودش بیاید که سرپرستی در تذکره او میدهد باهمان اجازه میتواند برگردد (احسن) بنا بر این دیگر تشریفات نیست اما درباره اینکه معصلین برای چه برای تحصیلات بخرج میروند عقیده شخصی بنده این است که باید مردم بچه های خودشان را قبل از سنین ۱۰ و ۱۵ سالگی که زبان مملکتشان و تاریخ مملکتشان را درست نیاموخته اند نمیشناسند بخارج نفرستند ولی همانطور که آقای دکتر شاهکار تذکره دادند مانعی توانم قانونا منع نکنیم که ننگند این کار را اگر درین قانون بگذاریم که وزارت فرهنگ گذرنامه تحصیلی ندهد یا اجازه مارز ندهد بسیار خوب ولی میخواهیم بدانیم که این کافی است برای اینکه بکنفرانر بخواید بچه اش بخارج برود در سن ده سالگی بتواند این کار را بکند تغییر، کما اینکه الان هم میکند این شخص می رود گذرنامه عادی میگیرد و بچه اش را همراه خودش میبرد و وقتی که بمدرسه سیرد مقامات آن مملکت اجازه اقامت میدهند با کارت همان مدرسه ای که آن بچه در آنجا تحصیل میکند پس نتیجه چه میشود؟ اگر ما میخواهیم اینجا قید مدارس متوسطه یا عالی بکنیم یا يك سن قائل شویم نتیجه این میشود که اشخاص از کنترل وزارت فرهنگ خارج میشوند یعنی ما با آنها نه گذرنامه و نه ارز میدهم و از طرفی آنها ای که میتوانند بروند میروند و تحصیل هم خواهند کرد و ما اصلا اطلاعی نداریم از وجود این معصلین این است که بعقیده بنده این پیشنهادی که دادند عملی نیست در همین اینکه آما و آرزوی ما این باید باشد و تذکر بولوبای معصلین باید بدهیم که بچه های کوچک را نفرستند ولی منع قانونی نمیتوانیم بکنیم و علاوه نمیتوانیم جلو گیری کنیم از هزیمت این بچه ها و ممکن نخواهد شد اینرا هم بنده علاوه میکنم که يك بچه کوچک در خارج مخارج تحصیلش زیاد است و کمتر از يك معصل دانشگاه نیست و کمتر اشخاصی هستند که قادر باشند تأمین مخارج يك بچه را در خارج بکنند، يك عده قلیبی هستند که تمکن کافی دارند که يك یا دو بچه خود را بخارج بفرستند و این عده اینقدر زیاد نیست که ما بخواهیم يك مشکلاتی در اعزام آنها فراهم بکنیم مخصوصا اینکه مطابق قانون اساسی اصلا نمیتوانیم جلو گیری کنیم

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم در ماده ۳ این اصلاح بعمل آید بجای جمله (مورد تأیید وزارت فرهنگ باشد) نوشته شود (مورد تصدیق سرپرستی وزارت فرهنگ در آن کشور قرار گیرد) همچنین بعد از جمله (ببیزانی که هیئت وزیران) اضافه شود « بمقداری که در آن کشور مقیم اعاشه معصل تأمین گردد که از این حیث هم رفع نگرانی باشد و مردم دستشان باز باشد و از طریق قاجاق ارز نفرستند و يك اصلاح عبارتی است و همان نظری است که جناب آقای وزیر فرهنگ که قانونا واردند این مسائل تأیید میکنند و امیدوارم اینرا هم بقبول بفرمائید

**رئیس** - آقای مهندس هدایت مخالفید بفرمائید

**مهندس هدایت** - پیشنهاد جناب آقای عمیدی نوری دو قسمت است بنده با قسمت اولش مخالف هستم اگر توجه بفرمائید این جا ذکر شده است که مورد تأیید وزارت فرهنگ باشد بنده استدعا میکنم که يك مشکلی برای اولیاء معصلینی که میخواهند بچه هایشان را بخارج بفرستند فراهم نشود اگر بنا شود پیشنهاد جنابعالی قبول بشود این اولیاء معصلینی که در تهران یا شهرستانهای ایران هستند باید تصدیق و گواهی نامه رسمی مدرسه که برایشان رسید تازه متوسل شوند بکسی که در آن کشور بعنوان سرپرست مقیم است و در حالی که وزارت فرهنگ در دسترس همه است و اینرا استدعا میکنم که جنابعالی موافقت بفرمائید که همین جمله مورد تأیید وزارت فرهنگ کافی باشد و از سرپرست و بچاهم را میخواهم بفرستم کجا سرپرست کشور سوئد دسترس پیدا بکنم که سرپرست تصدیق کند اینرا استدعا میکنم که توجه بفرمائید قسمت دوم فرمایش جنابعالی صحیح است

**عمیدی نوری** - اجازه بفرمائید نوشته شود یا وزارت فرهنگ یا سرپرست چون ثبت نام در خارج است

**رئیس** - آقای وزیر فرهنگ

میخواستم بکنم جناب آقای مهندس هدایت فرمودند من معتقدم باینکه مشول اجرای قانون وزارت فرهنگ است البته بروزارت فرهنگ است که گواهی فلان مؤسسه و فلان مقام را باید قبول کند این پیشنهادی که فرمودید در عمل چند عیب دارد یکی اینست که در بعضی از کشورها سرپرستی نداریم و وقتی بخواهند که سرپرست تصدیق بکنند اغلب پیش میآید که سرپرست آن کشور ممکن است در يك کشور دیگری باشد و این يك زحمتی ایجاد میکند برای مردم یکی دیگر اینکه ما اصولا در نظر داریم در هر کشور آن مدارس را توصیه کنیم بمعصلین و اولیاء آنها که مدارس رسمی باشند و اولیاء این اطفال بدانند و بتوانند مشورت بکنند و آن مؤسسه رسمی که مورد قبول و تأیید

بهمان میزانی باشد که تأمین اعاشه معصل را بکنند این است که بنده پیشنهاد کردم بعد از جمله ببیزانی که هیئت وزیران تعیین مینمایند نوشته شود بمقداری که در کشور مقیم اعاشه معصل تأمین گردد که از این حیث هم رفع نگرانی باشد و مردم دستشان باز باشد و از طریق قاجاق ارز نفرستند و يك اصلاح عبارتی است و همان نظری است که جناب آقای وزیر فرهنگ که قانونا واردند این مسائل تأیید میکنند و امیدوارم اینرا هم بقبول بفرمائید

**رئیس** - آقای مهندس هدایت مخالفید بفرمائید

**مهندس هدایت** - پیشنهاد جناب آقای عمیدی نوری دو قسمت است بنده با قسمت اولش مخالف هستم اگر توجه بفرمائید این جا ذکر شده است که مورد تأیید وزارت فرهنگ باشد بنده استدعا میکنم که يك مشکلی برای اولیاء معصلینی که میخواهند بچه هایشان را بخارج بفرستند فراهم نشود اگر بنا شود پیشنهاد جنابعالی قبول بشود این اولیاء معصلینی که در تهران یا شهرستانهای ایران هستند باید تصدیق و گواهی نامه رسمی مدرسه که برایشان رسید تازه متوسل شوند بکسی که در آن کشور بعنوان سرپرست مقیم است و در حالی که وزارت فرهنگ در دسترس همه است و اینرا استدعا میکنم که جنابعالی موافقت بفرمائید که همین جمله مورد تأیید وزارت فرهنگ کافی باشد و از سرپرست و بچاهم را میخواهم بفرستم کجا سرپرست کشور سوئد دسترس پیدا بکنم که سرپرست تصدیق کند اینرا استدعا میکنم که توجه بفرمائید قسمت دوم فرمایش جنابعالی صحیح است

**عمیدی نوری** - اجازه بفرمائید نوشته شود یا وزارت فرهنگ یا سرپرست چون ثبت نام در خارج است

**رئیس** - آقای وزیر فرهنگ

میخواستم بکنم جناب آقای مهندس هدایت فرمودند من معتقدم باینکه مشول اجرای قانون وزارت فرهنگ است البته بروزارت فرهنگ است که گواهی فلان مؤسسه و فلان مقام را باید قبول کند این پیشنهادی که فرمودید در عمل چند عیب دارد یکی اینست که در بعضی از کشورها سرپرستی نداریم و وقتی بخواهند که سرپرست تصدیق بکنند اغلب پیش میآید که سرپرست آن کشور ممکن است در يك کشور دیگری باشد و این يك زحمتی ایجاد میکند برای مردم یکی دیگر اینکه ما اصولا در نظر داریم در هر کشور آن مدارس را توصیه کنیم بمعصلین و اولیاء آنها که مدارس رسمی باشند و اولیاء این اطفال بدانند و بتوانند مشورت بکنند و آن مؤسسه رسمی که مورد قبول و تأیید

وزارت فرهنگ است بچه هایشان را به آن مدارس بفرستند که از آن اتفاق افتاده است که مقامات رسمی فرهنگی يك کشوری به بنده میگفتند که این ایرانی که بچه های خودشان را میفرستند مدارس بسیار اند که مورد اعتماد و اطمینان خودمان نیستند اینها يك مدارس عادی غیر رسمی هستند که بیشتر جنبه تجاری دارد کارشان تا جنبه تعلیم و تربیت ما عرضمان این است که کنتری بکنیم پس موافقت بفرمائید از قسمت اول این پیشنهاد صرف نظر بفرمائید ما عمل این کار را میکنیم (عمیدی نوری - موافقم) اما در قسمت دیگر نظر ما اینست که اگر در ماده قبل این علاوه شده بنده موافقم که در این ماده هم اضافه شود « میزان ارزی که داده میشود کفاف احتیاجات و تحصیل معصل را که آنجا هست بدهد

**عمیدی نوری** - بنده موافقم قسمت اول را مسترد میکنم قسمت دوم را رای بگیریید

**رئیس** - قسمت دوم پیشنهاد قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم در ماده ۳ این اصلاح بعمل آید بجای جمله مورد تأیید وزارت فرهنگ باشد

**رئیس** - آقای نورالدین امامی

**نورالدین امامی** - بنده خیلی متأسفم که با پیشنهاد کسی که خودش بهتر میداند هزار در صد مورد علاقه بنده است مخالفم آملین پذیرش با دانستن زبان خیلی فرق دارد « مدارك کافی نیست قانون خوب است مجری قانون بد است شما نظارت بفرمائید که در امتحان درست امتحان بشود تبعیض نشود توجه بفرمائید قانون درست اجرا شود والا اگر يك بچه ای را بفرستید آن جا بدون دانستن زبان باید بیکسال زحمت بکشند تا چهار کلمه زبان یاد بگیرند اینرا توجه بفرمائید پذیرش با مدرك خیلی فرق دارد و لسانیه های شما نمیتوانند چهار کلمه صحبت بکنند اگر توجه بفرمائید که قانون را درست اجرا کنند بهتر است اینرا استدعا میکنم آقا پیشنهادتان رایس بگیرید این خدمت بمملکت نیست و این وسیله ایست برای ایجاد مزاحمت بچه های خودتان و بهتر است که این رایس بگیرید

**مهندس اردبیلی** - اینکه شما میفرمائید وسیله مزاحمت است

**رئیس** - آقای وزیر فرهنگ

**وزیر فرهنگ** - این اجازه ارزی که داده میشود البته تا يك حدودی باید تابع مقدرات ارزی مملکت باشد ما قانون را باید يك طوری بنویسیم که عنداللزوم اگر يك مضیقه هائی از اجاظ ارز پیش بیاید نتوانیم مراتب الاقدم والا قدم را بکنیم اگر بنا باشد يك عده معصل بخارج بروند مانعی توانم بعه ارز بدهیم که آنرا برونند باید اولیاء معصلی بدهیم که معصیما میتوانند

تحصیل **رئیس** - فرق نمیکند اعاشه معصل معلوم است که خرج تحصیل است « آقایانی که باین پیشنهاد موافقت قیام بفرمائید (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم در ماده ۳ بعد از جمله (از طرف وزارت فرهنگ) جمله (بدون امتحان زبان) اضافه شود « مهندس اردبیلی

**رئیس** - آقای مهندس اردبیلی

که آقای وزیر فرهنگ باین پیشنهاد بنده موافق هستند که معصلینی که بخارج و هزینه خودشان میروند با اروپا باهر جایی که میخواهند بروند بعد از اینکه از دستگاه مربوطه یا مدرسه مربوطه پذیرش آنها آمد بآنها گذرنامه تحصیلی از طرف وزارت فرهنگ داده میشود و دیگر احتیاجی بامتحان زبان نباشد آنها ای که بخرج خودشان میروند دیگر احتیاجی بامتحان زبان نباشد و باین پیشنهاد بنده آقای وزیر فرهنگ هم موافقت کرد دیگر معصلین در این بیج و خمهای امتحانات گیر نکنند و بتوانند بروند تحصیل کنند

**رئیس** - آقای نورالدین امامی

**نورالدین امامی** - بنده خیلی متأسفم که با پیشنهاد کسی که خودش بهتر میداند هزار در صد مورد علاقه بنده است مخالفم آملین پذیرش با دانستن زبان خیلی فرق دارد « مدارك کافی نیست قانون خوب است مجری قانون بد است شما نظارت بفرمائید که در امتحان درست امتحان بشود تبعیض نشود توجه بفرمائید قانون درست اجرا شود والا اگر يك بچه ای را بفرستید آن جا بدون دانستن زبان باید بیکسال زحمت بکشند تا چهار کلمه زبان یاد بگیرند اینرا توجه بفرمائید پذیرش با مدرك خیلی فرق دارد و لسانیه های شما نمیتوانند چهار کلمه صحبت بکنند اگر توجه بفرمائید که قانون را درست اجرا کنند بهتر است اینرا استدعا میکنم آقا پیشنهادتان رایس بگیرید این خدمت بمملکت نیست و این وسیله ایست برای ایجاد مزاحمت بچه های خودتان و بهتر است که این رایس بگیرید

**مهندس اردبیلی** - اینکه شما میفرمائید وسیله مزاحمت است

**رئیس** - آقای وزیر فرهنگ

**وزیر فرهنگ** - این اجازه ارزی که داده میشود البته تا يك حدودی باید تابع مقدرات ارزی مملکت باشد ما قانون را باید يك طوری بنویسیم که عنداللزوم اگر يك مضیقه هائی از اجاظ ارز پیش بیاید نتوانیم مراتب الاقدم والا قدم را بکنیم اگر بنا باشد يك عده معصل بخارج بروند مانعی توانم بعه ارز بدهیم که آنرا برونند باید اولیاء معصلی بدهیم که معصیما میتوانند



